

«هوالمعلم»

مسئله شناسی، روش ها و ظرافت های کاربردی مقاله نویسی

بر گرفته از سخنرانی آقای دکتر سید حسین اسحاقی در سومین هم اندیشی

پژوهشگران حوزه های علمیه خواهران



ای بهار هستی: متی ترانا ونراک

دست من در جستجو پژمرد دامانت کجاست
کاش می گفתי به من سرو خرامانت کجاست
در سکون خود نمی گنجم که سامانت کجاست
کاش می پرسیدم از غمها که پایانت کجاست

تشنه ام ای آسمان عشق بارانت کجاست
شور و سرگردانی ام را با نگاهت چاره کن
دوست دارم ذره ای باشم فراسوی زمان
سهم من از زندگی تنها سکوت و اشک و آه

یاد آوری

متن زیر به منظور مساعدت به اساتید و طلاب جهت نگارش مقاله آماده گردیده است. انتظار می رود معاونین محترم پژوهشی استان ها و مدارس در اطلاع رسانی و انتقال آن به بهره گیران مساعی لازم را معمول دارند و به هر نحو ممکن وسیله بهره برداری از آن را در پایگاه معاونت پژوهش به آدرس www.pooyesh.whc.ir فراهم آورند. باشد که در پرتو اهتمامشان شاهد ارتقاء وضعیت ساختاری و محتوایی مقالات باشیم.

... و من الله التوفیق

ضرورت پژوهش دینی، مسئله یابی و چگونگی نگارش مقاله علمی پژوهشی و علمی ترویجی

○ ضرورت پژوهش در دوران معاصر

پژوهش برای هر زمانی برای رشد علمی ضرورت دارد. پژوهش به دوران فعلی اختصاص ندارد. منتها نظر به این که حکومت دینی در ایران حاکم است، انتظار بیش تری است که در زمینه معارف دینی نظریات روزآمد و قانع کننده ای را برای نسل جوان و دنیا عرضه نماید. (امروزه به دلیل تبیین بجای بیان ، بروز مسائل نوپدید ، ظهور سکه های تقلبی، تهاجم گسترده فرهنگی ، خرافه گرایی ونومعنویتها ، داعیه اداره جهان و...پژوهش وپاسخ به نیازها ضرورت بیشتری می یابد)

○ مهم ترین آسیب های پژوهش دینی

اولاً، بستر مناسبی برای عرضه دستاوردهای جدید علمی در علوم انسانی به خصوص معارف اسلامی وجود ندارد. هنوز تأکیدات مقام معظم رهبری و آیین نامه هایی که در زمینه نوآوری و نظریه پردازی و نقد است، اجرایی و نهادینه نشده است. اگر پژوهش های دینی تنها عبارت باشد از شرح و حاشیه بر دیدگاه های مشهور گذشته که دیگر این پژوهش نیست. حوزه پژوهش کشف حقیقت است و بس.

باید پژوهش های دینی به دستاوردهایی بیانجامد که علمی باشد. پژوهش علمی هم آن است که مقبولیت همگانی جهانی دارد. اگر ما در تحقیقات به نتایجی برسیم که فقط خودمان قبول داشته باشیم و اهل تحقیق در جامعه بشری را قانع نکند، آن نتایج نمی تواند علمی باشد. لذا باید هیچ خطوط قرمزی برای پژوهش و نوآوری و نظریه پردازی و نقد جز کشف حقیقت نباشد. معیار حقیقت و گزاره علمی هم این است که مقبولیت همگانی و جهانی داشته باشد. یک نظریه و دستاورد علمی در صورتی مقبولیت جهانی پیدا می کند که هیچ دلیل نقضی نداشته باشد و شواهد و مؤیداتی داشته باشد.

ما در پژوهش علمی فقط باید تابع دلیل باشیم و بس. به قول معرف «نحن ابناء الدلیل نمیل حیث یمیل»؛ اما متأسفانه فضای طرح نظریات علمی وجود ندارد. اگر یک نظریه ای خلاف مشهور باشد، شبهه و باطل و محکوم شمرده می شود و با نظریه پرداز برخورد فیزیکی و اداری و مانند آن می شود.

ثانیاً، پژوهش علمی در حوزه علوم انسانی به لحاظ آن که درآمدزا نیست، رغبتی به انجام آن چندان نیست، برای این که یک پژوهش به نتایج نویی برسد، نیازمند صرف وقت و هزینه مادی است، اما هرگز به ازای آن وجه مناسبی پرداخته نمی شود. لذا هر که می خواهد در این حوزه پژوهش کند، باید فکر درآمدزایی برای پژوهش خویش نداشته باشد.

ثالثاً، به لحاظ بسته بودن فضای نوآوری و نظریه پردازی و نقد هنوز روش علمی تحقیق لاقبل در حوزه علوم اسلامی منقح و کاربردی نشده است. معیارهای مشخصی وجود ندارد که چه چیزی نوآوری است و کدام نظریه است و کدام نقد صائب است.

رابعاً، فضای مناسبی برای تبادل اطلاعات و بحث و نقد نیست. نیروهای پژوهشی مثل جزیره های جدا از هم هستند. هرکسی به صورت انفرادی مطالعه و تحقیق می کند. حتی در یک گروه آموزشی حوزوی یا دانشگاهی یک شرایطی که افراد بیایند نظریاتشان را مطرح نمایند و به بحث و نقد بگذارند، نیست.

اکنون شرایط به گونه ای است که گویا وظیفه استادان تدریس یک متون مشخص است و دانش پژوهان هم وظیفه دارند همان متون را حفظ و بعد فراموش کنند! درحالی که اساس پژوهش نوآوری است. نوآوری هم یعنی آوردن یک نظریه ای که پیش تر نبوده است. یعنی شاذگویی و خلاف مشهور سخن گفتن. باید فضای نوآوری و نظریه پردازی و نقد در موضوعاتی که با اصول و ضروریات اسلام، اصول و ضروریات مذهب تصادم ندارد و ممنوع نیست، فراهم آورد.

○ استانداردهای تحقیقات دینی

معیارها و استانداردهای هر پژوهشی اعم از دینی و غیر دینی همان معیارها و استانداردهایی است که برای یک معرفت علمی مطرح است، از این قرار:

اولاً، معرفت علمی باید مقبولیت همگانی و جهانی داشته باشد. به گونه ای که اگر هر کسی با هر مذهبی تحقیق کند، به نتایج واحدی برسد. برای مثال اگر هر کسی آب را صد درجه حرارت دهد، به جوش می آید؛ چه او شیعه باشد یا سنی. مسلمان باشد یا ملحد. شرقی باشد یا غربی. معرفت دینی که حاصل تحقیقات دینی است، باید همین گونه باشد.

ثانیاً، باید مورد نقض نداشته باشد. یعنی اگر یک نظریه ای داده شد، بر تمام موارد صادق باشد و بتوان تمام موارد را توجیه و تفسیر کند. اما اگر حتی یک مورد پیدا شود که آن را نتواند توجیه و تفسیر کند، آن نظریه و معرفت، علمی نیست. برای مثال، گفتیم که اگر قرآن فصاحت و بلاغت دارد، دیگر معنا ندارد، مفردات یا ترکیباتی از قرآن را برشماریم که معنای مراد آنها برای مخاطبان قرآن روشن نباشد.

ثالثاً، معرفت علمی باید مؤید و شاهد داشته باشد. صرف طرح احتمال هیچ ارزش علمی ندارد. باید حداقل یک شاهد و مؤیدی برای آن پیدا شود تا ارزش طرح داشته باشد. برای مثال اگر گفتیم که برخی از آموزه های قرآنی تاریخی است و برای امروز بشر کارآمدی ندارد، کافی است که یک شاهد برای آن یاد کنیم تا علمیت داشته باشد. می توان شاهد آن را احکام برده داری یاد کرد که دیگر قابلیت اجرا ندارد.

○ مشکلات فراراه پژوهشها

اولاً، یک مرکز اطلاعات رسانی متمرکزی وجود ندارد که همه تحقیقات در آن گردآمده و معرفی شده باشد تا سابقه تحقیقات قابل دسترسی و شناسایی باشد و بتوان با شناسایی آنها از تکرار تحقیقات خودداری کرد. تمام مراکز اطلاع رسانی موجود اطلاعات ناقصی دارند و به روز نیستند.

ثانیاً، دانشجویان و طلبه ها برای نوآوری و نقد و نظریه پردازی تربیت نمی شوند و حتی از آن جلوگیری به عمل می آید و لذا ناگزیرند که همان مطالب گذشتگان را در قالبی دیگر عرضه نمایند.

ثالثاً، روش تحقیق علمی مناسب رشته های علوم اسلامی آموزش داده نمی شود و لذا تحقیقات روشمند نیست و نمی تواند نتایج نویی بر آنها مترتب باشد.

رابعاً، استادان راهنما و مشاور چنان که باید خود اهل پژوهش و آشنای به روش تحقیق علمی نیستند یا به طور مستمر و فعال بر فعالیت پژوهشی دانشجویان و طلبه ها نظارت ندارند.

○ کاربردی نبودن تحقیقات در زمینه علوم اسلامی

تحقیقات علمی را می توان از یک لحاظ به دو دسته بنیادی و کاربردی تقسیم کرد: مراد از تحقیقات بنیادی آن است که تنها به گسترش مرزهای دانش می انجامد؛ بدون این که تأثیر مستقیمی در اصلاح جامعه داشته باشد و مقصود از تحقیقات کاربردی آن است که به منظور بهینه کردن وضعیت اجتماعی و عینی یک مؤسسه یا سازمان انجام می شود. در چنین تحقیقاتی لازم است، پژوهش گران با مؤسسات و سازمان هایی که مسائل و مشکلات عینی دارند، سر و کار پیدا کنند و تحقیقات خود را برای حل مسائل و مشکلات آنها به انجام برسانند.

مشکل عدم کاربردی بودن تحقیقات در علوم اسلامی این است که:

اولاً، میان پژوهش گران و مراکز آموزشی و دانشگاهی از یک سو و مؤسسات و سازمان های مسئله دار ارتباط مناسبی وجود ندارد. **ثانیاً،** انجام پژوهش کاربردی در گرو آشنایی با روش تحقیق میدانی و تجزیه و تحلیل های آماری و پرداختن به تحقیقات میدانی است؛ اما پژوهشگران حوزه علوم اسلامی نه با روش تحقیق میدانی آشنایی دارند و نه به کار تحقیق میدانی که پرزحمت است، اقبالی نشان می دهند.

همچنین آسیب هایی نظیر عدم رعایت اخلاق حرفه ای پژوهش، شتاب زدگی در تحقیق و نظریه پردازی، مرعوب بیگانگان شدن (غرب زدگی)، آسیب های روش شناختی، خلط گستره علوم و روش آنها را باید جدی بگیریم

این ها آسیب های جدی و جاری در تحقیقات اسلامی است. تا این مشکلات وجود دارد، انتظار رونق تحقیقات علمی در حوزه علوم اسلامی نمی توان داشت. باید تأکیدات مقام معظم رهبری را در زمینه آزاداندیشی و نظریه پردازی و نقد جدی گرفت و فرصت ها و محیط های سالم و ایمن و اخلاقی برای بحث های علمی و پژوهشی فراهم ساخت .

اگر روش صحیح پژوهش آموزش داده شود و فضای مناسب بحث و نقد و نظریه پردازی و آزاداندیشی فراهم گردد، امید بهبود تحقیقات دینی پدید خواهد آمد. همانطور که گذشت نکته حائز اهمیت در تحقیقات مسئله شناسی و ابتنای تحقیق برمسائل نوپدید و مسئله محوری است . ملاک اصلی و کلی اولویت گذاری در این روش، توجه به واقعیات بیرونی، به ویژه نیازهای موجود است. به جهت اهمیت این امر ، مختصری درباره آن سخن خواهیم گفت:

○ میزان اثرگذاری مسئله پژوهشی در هدفمندی و راهبری تحقیق

به نظر می رسد، سه نوع تحقیق وجود دارد: متن محور، موضوع محور و مسئله محور؛

در این راستا ، شناخت زمینه های تحقیق از این جهت اهمیت دارد که مانع تحقیقات تکراری می شود و از هدر رفت هزینه های مالی و انسانی جلوگیری به عمل می آید. باید بررسی کرد که چه متون و آثار و مقالاتی وجود دارد که نیازمند ترجمه و شرح یا نقد است. نیز چه موضوعاتی هست که اطلاعات لازم درباره آنها گردآوری و تألیف و عرضه نشده است. همچنین چه سئوالاتی هست که تاکنون پاسخ منقح و مناسبی پیدا نکرده است.

انتخاب موضوعات سطحی، دوباره کاری های علمی، عدم انتخاب دقیق موضوع، سطحی نگری، کاربردی نبودن و دور بودن از نیازهای جامعه و... است.

○ آشنایی با مسئله تحقیق

موضوع تحقیق باید به روشنی مشخص و تعریف شده باشد. چه بسا، علاقه به موضوع، ناشی از پیچیدگی آن و تنوع اندیشه درباره آن باشد و پرداختن به چنین موضوعی، ما را به نتایج جامع و مطلوبی نرساند. بهترین راه، بررسی نظام مند یک موضوع، تقلیل آن به سؤال یا سؤال هایی قابل تحقیق است. تبدیل اندیشه ها در موضوع های کلی به سؤال ها و سپس اصلاح و پیرایش آنها و رسیدن به مسئله تحقیق، شامل یک فرایند آزمایش و خطاست.

هر پژوهش علمی با مسئله ای آغاز می شود و سپس با طرح سوال در پی پاسخ گویی به امور ناشناخته و مبهم بر می آید. باید توجه داشت که مقاله ای که به تتبع موضوع محورانه و موضوع های وسیع می پردازد، ظرفی وسیع، اما بدون عمق است. در حالی که پژوهش مسئله محور به مقاله، غنا و ژرفای ویژه ای می بخشد. اگر مسئله جزئی تر و تخصصی تر باشد، ارزشمندتر می شود و دستیابی به اهداف نیز آسان تر خواهد بود. برای نمونه، پژوهش در مورد شفاعت، موضوع محوری است، اما هدایت این موضوع به سوی مأذون بودن در شفاعت یا طلب شفاعت در دنیا یا آخرت، تبدیل موضوع به مسئله ای خاص و عنوان قابل تحقیق است؛ به این صورت که آیا در شفاعت، اذن خداوند نیز دخیل است؟ آیا می توان در دنیا هم از شفاعت کننده طلب شفاعت کرد یا اینکه این امر، تنها در آخرت ممکن می شود؟ در این حال، موضوع به مسئله تبدیل شده است. محقق در برخورد با یک مسئله، آن را به سؤال تبدیل می کند و همچنین از سؤال خود یک فرضیه می سازد و آنگاه فرضیه را به آزمون می گذارد، مانند اینکه در مسئله مأذون بودن در شفاعت، ابتدا آن را به سؤال تبدیل می کند که آیا مأذون بودن در شفاعت لازم است؟ سپس بر مبنای همین سؤال، فرضیه ای بنا می نهد که پاسخ حدسی اوست؛ سپس، همین پاسخ حدسی را به آزمون می گذارد و با بررسی در متون دینی، آن را اثبات یا رد می کند.

○ عناصر مهم در مسئله یابی

مسئله، توده ای از سؤال هایی بی پاسخ است که با توجه به واقعیت های موجود و خلاء معرفتی آن، در ذهن پژوهشگر شکل می گیرد. البته همه سؤال های ذهنی، قابل پژوهش نیستند؛ سؤال هایی مهم اند که ارزش تحقیق و تازگی و اولویت داشته و نیاز جامعه علمی را برآورده سازند و امکان دستیابی به منابع برای پاسخ گویی به آنها وجود داشته باشد. با توانمندی محقق هماهنگ بوده و قلمرو و حدود آن مشخص باشد. البته تعیین نوع مسئله، تعیین طرح دقیق و عنوان مناسب و پیشینه سازی مسئله، فرضیه یابی و روش شناسی مسئله نیز مورد انتظار است.

○ تبارشناسی مسئله

شناخت نژاد، نسل و خاستگاه، اهمیت بسیاری دارد. باید بدانیم که مسئله مورد نظر در چه علمی ریشه دارد و در چه شاخه هایی قابل بحث است. با تبارشناسی درست، محقق از هر خلط و خطایی ایمن می ماند، مرزبندی ها را به درستی می شناسد، تحقیق خود را سامان مند می کند و چارچوب نظری، اصول، ضوابط، روش ها و ابزارهای تحقیق را از همان گستره خاص دریافت می دارد. در واقع، نوآور بودن نیز در گرو تبارشناسی دقیق است؛ زیرا ملاک نوآوری در تحقیق، توجه موشکافانه به تاریخ علم و تولید علم، به معنای

رسیدن به امری جدید در تاریخ علم است. نکته اساسی اینکه، وقتی به یافته تازه‌ای رسیدیم، ممکن است آن پدیده نوین، مسئله، نظریه یا روشی تازه باشد.

○ اقسام مسئله

شاید بتوان مسئله را به فقهی، کلامی، فلسفی، روایی، تفسیری، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مانند آنها تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی در اثر یک تبارشناسی درست صورت می‌پذیرد.

البته گاهی تقسیم مسئله به اعتبار، پیشینه، شخصی بودن، علمی بودن، هدفمندی و مانند آن هم قابل توجیه است.

○ بایسته‌هایی در مورد انتخاب مسئله پژوهشی

در انتخاب مسائل پژوهشی، به نکته‌هایی باید توجه داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. پرهیز از دوباره کاری در تحقیقات و وفاداری به تحقیقات انجام شده پیشین؛
۲. مهم بودن مسئله تحقیق و ارزش بررسی داشتن آن (جدید و بدیع بودن موضوع، حد و مرز داشتن، مبهم نبودن و برخورداری از اهمیت و اولویت)؛
۳. علاقه‌مندی، کنجکاوی و کشش علمی برای شناخت آن؛
۴. بهره‌مندی از آموزش لازم و برخورداری از شرایط و توانمندی مناسب (متناسب بودن با توانایی، دانش و مهارت پژوهشگر)؛
۵. فراهم بودن اطلاعات برای سنجش و عملی بودن روش تحقیق؛
۶. وجود وسایل و امکانات، منابع و اسناد مورد نیاز تحقیق و اطمینان نسبی به موفقیت آمیز بودن آن؛
۷. پیش‌بینی مسائل، موانع، رویدادها و خسارت‌های احتمالی در رابطه با تحقیق؛
۸. وجود زمان لازم برای انجام تحقیق؛
۹. توجه به گنه و جنبه‌های مسئله تحقیق با عنایت به سؤال‌های زیر:
 - ۱- ۹. آیا زمینه مسئله، گستردگی و ویژگی‌های آن با توجه به پیشینه تحقیق بیان شده است؟
 - ۲- ۹. آیا مسئله، دامنه مطالعه را محدود می‌کند؟
 - ۳- ۹. آیا مسئله قلمرو علمی تحقیق را مشخص می‌کند؟
 - ۴- ۹. آیا اهمیت مسئله، بر حسب یک یا چند ملاک زیر بررسی شده است:
 - الف) دست‌یابی به یک شیوه نو در اجرای امور؛
 - ب) تدوین یک نظریه؛
 - ج) عمومیت بخشیدن و گسترش دانش و نظریه‌های علمی؛
 - د) پاسخ‌گویی به مسائل جامعه؛
 - هـ) پیشبرد روش‌شناسی در تحقیق؛
 - ۵- ۹. آیا می‌توان در مورد آن فرضیه‌هایی مطرح کرد؟
 - ۶- ۹. آیا فرضیه‌های تحقیق، قابلیت جهت‌دهی و هدایت سامان‌مند به تحقیق را دارد؟
 - ۷- ۹. آیا متغیرهای پژوهش در آن مشخص است؟
 - ۸- ۹. آیا تعریف عملیاتی متغیرهای آن امکان‌پذیر است؟

○ راه‌های انتخاب مسئله تحقیق

مسئله‌شناسی، ممکن است به یکی از طرق زیر انجام پذیرد:

الف) تجارب شخصی؛

ب) کنجکاوی در اطلاعات منتشره از سوی رسانه‌ها؛

ج) بهره‌گیری از دانش تخصصی؛

د) تمایل به حل یک مسئله؛

ه) بهره‌گیری از فرصت‌ها و تهدیدات پیش آمده؛

و) وقایع زندگی روزمره؛

ز) تأکید بر احیای ارزش‌های فردی؛

ح) مشاوره با متخصصان مجرب؛

ط) مراجعه به منابع و مقاله‌های تخصصی؛

ی) مراجعه به منابع الکترونیکی و محیط‌های مجازی؛

ک) بررسی قسمت انتهایی پایان‌نامه‌ها که دریچه‌های جدیدی از موضوع را گشوده‌اند.

○ خطاهای احتمالی به هنگام انتخاب مسئله

از آنجایی که انتخاب مسئله تحقیق، از پیچیدگی و ابهام‌های بسیاری برخوردار است، بیشتر محققان در تشخیص مسئله دچار مشکل می‌شوند. این مشکل، هنگام پیدا کردن مسئله تحقیق، بیشتر خود را آشکار می‌سازد؛ زیرا در پژوهش‌های غیردانشجویی، بیشتر، سفارش‌دهنده تحقیق مسئله تحقیق را بیان می‌کند و یا اینکه مسئله در یک فرایند آسیب‌شناسی تعریف و تدوین می‌شود.

اما پژوهشگران به هنگام انتخاب مسئله پایان‌نامه، خود معمولاً مرتکب چهار نوع اشتباه عمده می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. مسئله را بدون تحلیل جنبه‌های گوناگون آن، شتاب‌زده انتخاب می‌کنند؛

۲. بدون مطالعه منابع مرتبط با موضوع، مسئله‌ای را انتخاب می‌کنند؛

۳. پیش از انتخاب مسئله پژوهشی، روش اجرای تحقیق را مشخص می‌کنند؛

۴. به جای تعریف دقیق و روشن مفاهیم موجود در مسئله، آن را به صورت کلی توصیف می‌کنند.

به طور کلی، آنچه اهمیت دارد، این است که بدانیم در پی پاسخ‌گویی به چه مسئله‌ای هستیم و به عبارت دیگر، باید مطمئن شویم که پیامدها و علایم یک مشکل را به عنوان مشکل اصلی در نظر نگرفته‌ایم.

بی‌شک، شناخت مسئله اصلی، بیش از حل مشکل اهمیت دارد؛ زیرا ممکن است هزینه و زمان بسیاری برای یک مشکل فرعی و کم اهمیت به کار گرفته شود. بنابراین، پیش از هر چیز باید اطمینان یافت که آنچه توجه ما را به خود جلب کرده، همان مشکل اصلی است یا تنها نشانه و علامتی است که باید از طریق آن، مشکل اصلی را ردیابی کرد.

○ رعایت تکنیک‌ها در مقاله‌نویسی

برای نگارش مقالات مستدل و مؤثر ملزم به رعایت یک سری اصول و فنون ابتدایی هستیم. مقاله‌نویس تکنیک‌های مخصوص به خود دارد. تفاوتی نمی‌کند این کار را برای روزنامه و مجله انجام می‌دهید یا صرفاً برای عناوین رسمی و دایره‌المعارف یا مقاله علمی. به هر حال هنگام نوشتن باید شیوه‌های مرسوم را در متن خود به کار گیرید. آنچه در ذیل مشاهده می‌کنید، چند نمونه از مهم‌ترین تکنیک‌های مقاله‌نویسی است:

۱. ابتدا موضوع یا مسئله مورد نظر خود را انتخاب کنید. دقیقاً می‌خواهید در مورد چه مطلبی مقاله بنویسید؟ طرح و بیان درست مسئله مهم است. بهترین راه طرح مسئله این است که در چند سطر اول به حقایق و واقعیت‌ها در قالب چند جمله خبری اشاره کنیم و پس از این مقدمه چینی ماهرانه، به شکلی طبیعی و منطقی، یک سؤال عمیق و نسبتاً کلی طرح کنیم. البته باید توجه داشته باشیم که انتقال از واقعیت‌های موجود به این پرسش، باید به صورت طبیعی انجام شود و به عبارتی، وصله ناجوری نباشد.

۲. مخاطب خود را بشناسید.

۳. در مورد موضوع مورد نظر تحقیق کنید. تا چه اندازه به مضمون کلی آگاهی دارید؟ آیا موضوع مقاله به گونه‌ای هست که به راحتی و با جمع‌آوری اطلاعات بتوانید درباره آن مطلب بنویسید؟

۴. کمیت مقاله را تعیین کنید. بهتر است پیش از شروع نگارش، حد مطلوبی را در نظر بگیرید. ممکن است بعضی از نشریات از قبل، حدی مشخص را در نظر گرفته باشند.

۵. فهرستی از منابع موجود تهیه کنید این فهرست می‌تواند شامل کتب مختلف، پایان‌نامه، مقالات علمی و منابع مکتوب دیجیتالی باشد.

۶. رئوس مطالب را جدا کنید. این کار به شما کمک می‌کند با دقت و توجه بیشتری روی مفهوم و تصویر کلی مقاله تمرکز کنید.

۷. پیش‌نویس مقاله اصلی را با توضیح کاملی در مورد مطلبی بنویسید که قصد نگارش آن را دارید.

۸. بررسی و بازبینی به روی مقاله داشته باشید. حقایقی را که نسبت به آنها شک دارید، یک بار دیگر بازبینی کنید و به دنبال اثبات علمی آنها باشید. مفاهیم متناقض و غیر ضروری را حذف کنید. هر مطلبی را که جای زیادی می‌گیرد، حذف کنید تا در دام پرگویی گرفتار نیایید. تصورات شخصی و ذهنیات خود را در مقاله نگنجانید. این امر به تحقیقات و اثبات نیاز دارد. غلط‌های دستوری و املائی متن را اصلاح کنید. آخر کار نیز آن را یک بار با صدای بلند برای خود بخوانید تا مطمئن شوید متن روان است.

۹. هر چند بار که لازم بود، نوشته خود را بازنویسی کنید و ساختار مقاله علمی را کاملاً رعایت کنید. با رعایت آن، مقاله‌ای در خور فراهم آورید. برای نگارش متن مورد نظر به اندازه کافی وقت بگذارید. اگر روی کار خود به اندازه کافی وقت نگذارید، ممکن است متن شما نشان‌دهنده قابلیت‌های واقعی فردی‌تان نباشد. از اشتباه‌های فاحش متنی خودداری کنید. کپی کردن و مطالب بدون ارجاع به منابع اصلی باعث می‌شود تا دیگران از همکاری مجدد با شما صرف نظر کنند.

○ مراحل نگارش مقاله تخصصی، توصیه‌های کاربردی مقاله‌نویسی

الف) مراحل نگارش مقاله تخصصی

هر اثر علمی - تحقیقی دارای سه رکن است:

یک: مواد سالم و معتبر که از طریق استدلال‌های علمی به دست آمده باشد.

دو: شیوه صحیح استدلال.

سه: توان علمی و اجتماعی محقق برای شناخت روش‌های درست تحقیق.

باید مراحل ذیل به ترتیب در نگارش مقاله پیموده شود:

۱. مسئله‌یابی، طرح سؤال، تشکیل فرضیه و طرح تحقیق

ابتدا انسان دغدغه حل مشکل و مسئله‌ای را در ذهن می‌پروراند و تصمیم می‌گیرد که در پی کشف این مجهول باشد. در واقع، انسان از مجهول به معلوم می‌رسد و این سؤال‌ها و مجهولات مبنای هر فرضیه علمی را تشکیل می‌دهند. پس از طرح مجهول و تشکیل فرضیه، برای بررسی و اثبات آن باید طرح تحقیق ریخته شود. طرح تحقیق، قانون کار محقق است و هدف، محدوده کار، رئوس مباحث، ابزارها و روش تحقیق و منابع را روشن می‌سازد و مانع از پراکنده‌کاری و اتلاف وقت و نیرو می‌گردد.

۲. انتخاب روش تحقیق

نویسنده مقاله تحقیقی به تناسب رشته و موضوع مورد بررسی، روش خاصی را در امر تحقیق انتخاب می‌کند. در عین حال، از برخی قواعد و روش‌های عمومی نیز استفاده می‌کند که تقریباً در تمام مقاله‌های تحقیقی، مشترک است. روش گردآوری اطلاعات به دو نوع میدانی و کتابخانه‌ای تقسیم می‌شود. در تحقیق کتابخانه‌ای، حوزه کار محقق، کتاب‌خانه و اسناد و مدارک است و با محیط بیرونی کار ندارد. اصلی‌ترین ابزار در این مورد، کتاب و امثال آن است. در این راستا محقق باید کتاب‌شناس باشد. به عبارتی، مسائلی نظیر اطمینان از صحت انتساب کتاب و مطالب آن، انتخاب منابع درجه اول و تحقیقی، عدم دخل و تصرف در محتوای آن و نگاه نقادانه به آن را از نظر دور ندارد. محقق در این روش از راه فیش‌برداری به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد و با تجزیه و تحلیل اطلاعات در دایره چارچوب نظری و فرضیات کندوکاو می‌کند. روش پردازش اطلاعات می‌تواند توصیفی، تبیینی، تحلیلی، انتقادی و ... باشد.

۳. گردآوری مواد پژوهش و منابع تحقیق

پس از عبور از دو مرحله اول، محقق به معلومات خویش مراجعه می‌کند و از میان دانش و محفوظات خود، آنچه را با فرضیه و مجهول وی ارتباطی دارند، برمی‌گزیند، مرتب می‌کند و مقدمات استدلال خود را تشکیل می‌دهد. در اینجا نوع و میزان معلومات، مؤثر است. همچنین تسلط او بر ابزار و تکنولوژی روز در استفاده بهتر از منابع مکتوب و فضاهای مجازی اهمیت دارد.

این مرحله با کتاب‌شناسی آغاز می‌شود. سپس در حوزه مقالات به تفحص می‌نشیند و از پایان‌نامه‌ها نیز غافل نمی‌ماند. باید توجه داشت که در به کارگیری منابع، اصالت با اعتبار منابع است، نه تعدد آنها. همچنین فهرست منابع و مأخذ، نشان‌دهنده اعتبار علمی نوشته و بیانگر اشراف نویسنده بر منابع است. محقق باید تلاش کند از منابع قدیمی و جدیدترین تحقیقات، به درستی استفاده کند.

۴. تنظیم مطالب و نتیجه‌گیری

اساساً مشکل اساسی در تنظیم مطالب، در فقدان یا نقصان طرح تحقیق بروز می‌کند. در صورتی که محقق از ابتدا نقشه راهی بر اساس چارچوب نظری و با تکیه بر فرضیات پیش‌بینی شده داشته باشد و بداند که در جست‌وجوی چیست، در آن صورت، منابع هم با او همراه می‌شوند و در خدمت اهداف علمی او قرار می‌گیرند. البته مشکل دیگری هم در تنظیم مطالب وجود دارد که حاکی از ناورزیدگی در قوه تعقل و تفکر است که به ممارست و تمرین بیشتر نیاز دارد.

محقق پس از پیمودن مراحل چهارگانه باید به شیوه ارائه مطالب التفات داشته باشد و نکات زیر را در نظر بگیرد:

در مرحله نگارش، ناگزیر به پیمودن مراحل چهارگانه هستیم:

الف) مقدمه: آغاز دل‌پذیری است که ذهن خواننده را برای ورود به بخش اصلی و بدنه مقاله یا نوشتار آماده می‌سازد.

ب) متن یا بدنه: حاوی مهم‌ترین و اصلی‌ترین مطالب مقاله است. نویسنده در این بخش، استدلال علمی خود را در جهت رد و اثبات فرضیه نخستین ارائه می‌دهد.

ج) نتیجه‌پایانی: در انواع مقالات، ممکن است نتیجه‌گیری‌ها کمی با هم متفاوت باشد، اما ضرورت وجود نتیجه‌گیری در هر تحقیقی انکارناپذیر است. این نتایج باید روشن، صریح و قابل دفاع و مستدل بوده و از حدس و گمان به دور باشد.

د) مستندسازی مقاله یا نوشته علمی: در نگارش مقاله به خصوص مقاله‌های تحقیقی باید از حدس و گمان و تخیل یا تکیه بر گفته‌ها و شنیده‌های غیر موثق، بدون منبع و تحقیق نشده جدا پرهیز کرد. نویسنده باید امانت‌داری را رعایت کند و خود را از اتهام سرقت ادبی و انتحال دور نگه دارد و در نهایت، با ذکر نشانی دقیق منبع، راه پژوهش را برای خوانندگان فراهم آورد. البته ثبت ارجاعات، شیوه‌های گوناگونی دارد. ذکر ارجاع در پاورقی به یادداشت‌هایی گفته می‌شود که در بخش پایانی صفحه نوشته می‌شود و به وسیله پاره‌خطی از متن اصلی جدا می‌گردد و خود بر دو نوع است:

الف) پاورقی توضیحی: این نوع معمولاً شامل مطالب تکمیلی است که برای روشن‌تر شدن مطالب مبهم و مجهول متن می‌آید.

ب) پاورقی ارجاعی: برای ذکر سند و منبع مورد استفاده نویسنده است. که به صورت متنی یا پاورقی یا پی‌نوشت است.

فهرست منابع هم که گاه با عنوان کتاب‌نامه و کتاب‌شناسی از آن یاد می‌شود، نمایانگر استفاده مؤلف و محقق از کتاب‌ها و آثاری است که مقاله یا کتاب با استناد به آنها نوشته شده است. آن هم شیوه خاصی دارد که معمولاً به وسیله مراکز و مؤسسات در قالب آیین‌نامه ارجاع ابلاغ می‌گردد.

هـ. فعالیت‌های علمی و تکمیلی مقالات

در این زمان، نوبت به چکیده‌نویسی می‌رسد که بر اساس طرح تحقیق نوشته می‌شود و نویسنده در آن به طور فشرده بر اساس ضوابط و قواعد لازم، محتویات تحقیق را به تصویر می‌کشد. البته به انتخاب کلیدواژه هم که مکمل چکیده یا به عبارتی، چکیده چکیده است، باید توجه جدی کرد. از انتخاب نام و عنوان مناسب برای مقاله نمی‌توان غفلت ورزید. از این رو، چنانچه عنوانی را از ابتدا انتخاب کرد، باید بار دیگر آن را واریسی کند و از رسایی، گویایی و شفافیت آن مطمئن شود و چنانچه نیاز به تغییر دارد، آن را تعویض کند.

نحوه تنظیم صفحات مقالات به شرح ذیل صورت می‌پذیرد:

میانگین حجم مقاله، ۲۰ - ۲۵ صفحه است که مقدمات، ۳ - ۵ صفحه، ۱۲ - ۱۵ صفحه، بدنه تحقیق، ۳ - ۵ صفحه نیز به نتیجه‌گیری و ذکر منابع اختصاص می‌یابد.

○ **هنگام نگارش مقاله باید به موارد زیر توجه جدی کرد:**

- پژوهشگر واقعی هیچ‌گاه نباید ساده‌انگارانه، شتابزده و بدون مطالعه اکتشافی دست به تهیه طرح بزند؛ زیرا این امر به شدت از اعتبار علمی او می‌کاهد. بنابراین، با مطالعه اولیه، مشورت و سپس بررسی دقیق منابع، طرح‌نامه را تهیه و ارسال می‌کند. - محقق باید از ابتدا بدانند به دنبال حل چه مشکل یا مسئله‌ای است و دیگران درباره موضوع چه تلاشی داشته‌اند. آیا تحقیق او جدید است و نگاه تازه‌ای به موضوع دارد؟ در پایان نیز بررسی کند که آیا به سؤالات یا اهداف از پیش تعیین شده دست یافته است؟ اگر دست یافته است، چه مطالبی هستند و آنها را در نتیجه‌گیری بیان کند.

- در نگارش طرح نامه باید از پرداختن به مقدمات و افق‌های دور در متن تحقیق دوری کند و به اصل مطلب با فضا سازی مناسب و کوتاه بپردازد.

- چنانچه با تسامح و کوتاهی پژوهشی، طرح یا نوشته‌ای آماده و ارائه گردد، در حقیقت، اولین خدشه علمی متوجه خود پژوهشگر خواهد شد.

- محقق باید سؤالات اصلی و فرعی را به خوبی طراحی کند. سپس با دقت به آنها پاسخ گوید.

- منبع‌شناسی دقیق، مستند و متقن از ضروریات انجام تحقیق است و بیش از نیمی از کار تحقیقی است و پژوهش را تسهیل می‌کند. مراجعه به منابع و مطالعه اکتشافی برای تهیه طرح‌نامه تحقیق از اصول اولیه پژوهشی است.

- باید دانست در عصر فن‌آوری و ارتباطات قرار داریم و اساساً محتوای هیچ تحقیق و نوشته‌ای بر کسی پوشیده نمی‌ماند. بنابراین، در برداشت مطالب یا استفاده از هندسه تحقیقی دیگران باید کاملاً شفاف باشیم. چه بسا بعدها با ادعای نویسندگان مواجه خواهیم شد. بنابراین، پژوهشگر باید امانت‌داری لازم را مراعات و مستندسازی کند. در غیر این صورت، هرگونه مسئولیت‌های آینده متوجه او خواهد بود.

- توجه داشته باشیم بدون تحقیق و تفحص، نام کتاب، مقاله یا پایان‌نامه‌ای را در منبع تحقیق (طرح نامه) درج کردن، بدون مراجعه مستقیم و آگاهی یافتن از اینکه اساساً در آن اثر مطلبی در راستای موضوع تحقیق وجود داشته است، صداقت طراح و نگارنده را زیر سؤال می‌برد.

- پژوهشگران تنها به یافته‌ها و دستاوردهای دیگران بسنده نکنند، بلکه با بازنگری و مهندسی فکری جدید، در پی طرحی نو و به دست آوردن یافته‌های نوین باشند و به خلق ایده‌ای جدید روی آورند.

- هیچ‌گاه بدون مطالعه اکتشافی و فهم پیچیدگی‌های موضوع و جوانب آن، در طرح‌نویسی تنها به عبارت‌پردازی و لفاظی تهری از محتوا بسنده نشود.

- پی‌جویی کردن عناوین مرتبط با تحقیق در منابع مختلف اعم از سایت‌ها و کتاب‌خانه ملی برای منبع‌یابی در سه حیطة مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها در منبع‌شناسی اهمیت دارد. در منبع‌شناسی دقیقاً این سه حیطة باید از هم تفکیک و منابع آن ذکر گردد.

- توصیه می‌شود به منابع مستقیم و مربوط به مسئله پژوهش با همان عنوان مراجعه شود و نه عناوین کلی و عام. از آوردن نام کتاب‌های عام و کلی پرهیز گردد؛ مانند ذکر «المیزان»، «وسائل الشیعه» یا هر کتاب مرجع دیگر. به طور کلی که نشانگر عدم مراجعه جدی محقق است، خودداری شود. اگر هم به کتاب‌های مرجع، رجوع مستقیم می‌شود، قسمت یا فصل مورد نظر که با موضوع در ارتباط است، ذکر گردد.

- شاخصه‌های یک اثر فاخر مانند موارد زیر رعایت شود:

- متفاوت بودن از آثار دیگران (نویسنده باید بداند کار تحقیقی او چه زاویه‌ای را در نظر گرفته که با دیگر آثار متفاوت است و این امر را در ضروریات انجام تحقیق بنویسد).
- نوآورانه و پژوهشگرانه بودن همراه با تبیین و تحلیل؛
- باز کردن زوایا و افق‌های جدید در تحقیق؛
- تکراری نبودن و آغاز کردن تحقیق از نقطه‌ای که دیگران به آنجا رسیده‌اند.

...وقفکم!... لمرضاته

